

## تحلیل خشونت کلامی جنسیت‌محور در محل کار بر اساس رویکرد اجتماعی شناختی کالپپر

فیروزه اصغری\*

عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

## Analysis of Gender-based Verbal Violence at the Workplace Using Culpeper's Social Cognitive Approach

Firoozeh Asghari\*

Faculty Member of the Institute for Social and Cultural Studies, Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran

Received: 2023/12/12

Accepted: 2024/02/07

10.30473/il.2024.69970.1627

### Abstract

Verbal violence is one of the main topics in the field of sociolinguistic studies. The purpose of this research is to study the dimensions of gender-based verbal violence based on Culpeper's perspective. The participants in the research were female employees working in the institutions in Tehran, who were selected based on purposive sampling. The data were collected through semi-structured interviews, and were subsequently categorized and analyzed based on Culpeper's social cognitive theory as a postmodern approach. The findings revealed both forms of verbal violence, namely, Bald On-record and Off-record, which include humiliation, insulting, blame-shifting, threatening, flirting, and, deceptive affection. Based on the findings, men use verbal violence purposefully, intentionally, and consciously, and women perceive verbal violence as rude, hostile, and irritating. Furthermore, women's experience of gender-based verbal violence in the workplace shows that such behavior is a self-serving tool for men to benefit from gender stereotyping in order to attack women's face, maintain and promote men's face, advance their sexual harassment, and at the same time, excel in workplace competitions ahead of their women co-workers. The results also disclose how "language" that is affected by social norms, gender stereotypes, context, emotions, and individual desires can become more than a communicational tool, and be used as gender-based verbal violence in the workplace.

**Keywords:** Sociolinguistics, Violence, Verbal Violence, Gender, Female Employees, Culpeper's Impoliteness Theory.

### چکیده

خشونت کلامی یکی از موضوعات اصلی در حوزه مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی است. پژوهش کیفی حاضر به مطالعه ابعاد خشونت کلامی جنسیت‌محور در محیط کار بر اساس دیدگاه کالپپر پرداخته است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش کارکنان زن شاغل در ادارات شهر تهران هستند که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شدند و پس از مقوله‌بندی بر اساس نظریه اجتماعی شناختی کالپپر به‌عنوان یک رویکرد پسامدرن مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده اشکال متفاوتی از خشونت در قالب خشونت کلامی آشکار و پنهان است که توسط مردان به شکل تحقیر، توهین، شماتت، تهدید، لاس زدن و محبت کاذب خود را آشکار ساخته است. بر اساس یافته‌ها استفاده از خشونت کلامی توسط مردان هدفمند، عمدی و آگاهانه و درک زنان از خشونت کلامی بی‌ادبانه، خصمانه و آزاردهنده است. نجارب زنان در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خشونت کلامی جنسیت‌محور در محیط کار، استفاده هدفمند و منفعت‌طلبانه مردان از کلیشه‌های جنسیتی برای تهدید و تخریب وجهه زنان، حفظ و ارتقای وجهه مردانه، کامیابی و منفعت جنسی و درعین‌حال منفعت شغلی در رقابت با زنان در محیط کار است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که «زبان» چگونه متأثر از هنجارهای اجتماعی و کلیشه‌های جنسیتی، بافت، احساسات و امیال فردی می‌تواند فراتر از ابزار ارتباطی به ابزاری هدفمند برای خشونت کلامی در محل کار تبدیل شود.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌شناسی اجتماعی، خشونت، خشونت کلامی، جنسیت، زنان شاغل، نظریه بی‌ادبی کالپپر.

## مقدمه

خشونت پدیده‌ای جهانی است که به شکل ناخوشایندی در تمام اجتماعات اعم از مدرسه، دانشگاه و محل کار قابل مشاهده است (Pinar & Ucmack, 2011). خشونت در محل کار مشکل اساسی با ابعاد چندگانه است که زندگی حرفه‌ای و شخصی کارکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Kremic et al., 2017). یکی از شایع‌ترین شکل خشونت در محل کار به خشونت جنسیت محور<sup>۱</sup> تعلق دارد. جنسیت مفهومی اجتماعی است و برخلاف مفهوم بیولوژیکی جنس، بر اساس تصورات فرهنگی- اجتماعی از زنان و مردان تعریف می‌شود. اینکه در ذهن افراد هر جامعه چه نقش‌ها و انتظاراتی از مردان و زنان تعریف شده است، نشان‌دهنده نگرش و باورهای عمومی افراد آن جامعه درباره زنانگی و مردانگی است. این نگرش در بسیاری موارد منجر به خشونت علیه زنان می‌گردد. خشونت جنسیت‌محور در محل کار که به دلیل پیامدهای گسترده فردی، سازمانی و اجتماعی مورد توجه محققان زیادی قرار گرفته است (Crisp & Taket, 2017; Agbaje et al., 2021; Guay, 2014; Goncalves & Jarvis, 2014)، دربرگیرنده انواع متفاوتی از خشونت اعم از خشونت فیزیکی، جنسی، کلامی، روانی و اقتصادی است که (خواسته یا ناخواسته) موجب آزار زنان می‌شود (Alkan et al., 2022). خشونت کلامی جنسیت محور<sup>۲</sup> نوع خاصی از خشونت جنسیت‌محور است که لزوماً نه بر اساس متن زبانی، بلکه به دلایلی فراتر از متن و علائم زبانی، توسط گوینده و شنونده، تعریف می‌شود. در این تعریف خشونت در لایه‌های زیرین منظور گوینده بر اساس نقش‌های تعریف‌شده، کلیشه‌ها و انتظارات از مردان و زنان «پنهان» و بر اساس احساس و درک فرد خشونت‌دیده از خشونت «آشکار» می‌شود. این نوع از خشونت اگرچه نامحسوس و بی‌صدا است اما عدم توجه به آن نه تنها تقویت‌کننده کلیشه‌های جنسیتی رایج در جامعه است و شکل‌گیری انواع جدیدی از کلیشه‌های جنسیتی (با تأکید بر محوریت زنان به‌عنوان قربانی) را به دنبال دارد، بلکه قابلیت تبدیل به خشونت جنسی<sup>۳</sup> فیزیکی علیه زنان را نیز داراست. آسیب‌های روانی، ایجاد تألمات روحی، احساس ناامنی، بروز مشکلات خانوادگی، میل به فرار از کار و در

نهایت ترک کار از پیامدهای اصلی عدم توجه به چالش خشونت کلامی علیه زنان در محیط کار است. مقاله حاضر بخشی از نتایج پژوهش انجام شده درباره خشونت کلامی جنسیت‌محور با تأکید بر زنان است که در آن خشونت کلامی با تکیه بر ابعاد شناختی- اجتماعی و از منظر تأثیر جنسیت بر راهبردهای کلامی در محیط کار مورد مطالعه قرار گرفته است.

## مبانی نظری

«خشونت کلامی» به معنای استفاده از کلمات توهین‌آمیز به افراد مانند فحاشی‌های معمول، رفتار توهین‌آمیز و استفاده از زبان زشت و ناپاک است که نشان‌دهنده عدم احترام به شأن و ارزش یک فرد است (Aytac et al., 2011). پرخاشگری زبانی<sup>۴</sup> و آزار کلامی<sup>۵</sup> از انواع دیگر خشونت کلامی محسوب می‌گردند. «خشونت کلامی جنسیت‌محور» نیز کنش کلامی آزاردهنده متأثر از جنسیت است که موجب رنجش، آزار و ناامنی در طرف مقابل که معمولاً زنان هستند، می‌شود. ریشه این نوع از خشونت معمولاً به ارزش‌ها، عقاید اجتماعی و فرهنگی افراد برمی‌گردد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰). به تعبیر رحمانی (۱۳۹۷) قدرت با توجه به ساختارهای اجتماعی، همواره در دست مردان بوده و یکی از ابزارهای اجرای این قدرت استفاده از زبان است.

از دیدگاه برخی زبان‌شناسان مانند راس (Ross, 1981) واژگان می‌توانند صدمه بزنند و صدمه زدن زبان با استفاده از رفتارهای کلامی تحقیرآمیز و توهین‌آمیز صورت می‌گیرد. از دیدگاه مالکین که خشونت کلامی را بر اساس ماهیت گفتمانی آن مورد بررسی قرار داده است، زبان به‌عنوان ابزاری خصمانه برای حمله به طرف مقابل، سلاحی برای تسلط به دیگری، وسیله‌ای برای آزار و اذیت، وحشت‌آفرینی و نشان دادن قدرت و کنترل و درعین‌حال تعریف‌کننده روابط انسانی است.

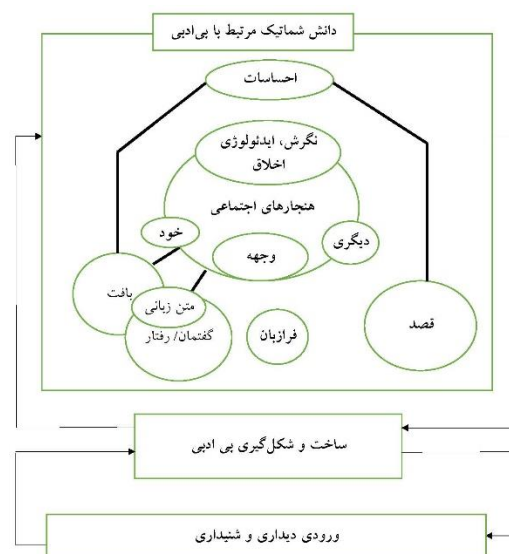
کالپپر (Culpeper, 1996, 2005, 2011) زبان‌شناسی است که زبان را در قالب بی‌ادبی با رویکرد شناختی- اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است. مدل شناختی- اجتماعی کالپپر (۲۰۱۱: ۶۵) که تکمیل‌کننده دیدگاه‌های قبلی او درباره بی‌ادبی کلامی است، به اختصار بشرح زیر قابل ارائه است:

4. verbal aggression  
5. verbal abuse

1. gender-based violence  
2. gender-based verbal violence  
3. sexual harassment

اصطلاح «حمله به وجهه» در مقابل «تهدید وجهه» استفاده می‌کند و بدین ترتیب بر بالفعل بودن خشونت در کلام به‌جای بالقوه بودن آن تأکید می‌نماید زیرا رفتار خشونت‌آمیز و یا بی‌ادبانه هر دو با هدف حمله به وجهه مخاطب انجام می‌شود (کالپپر، ۲۰۱۱). راهبردهای گوینده برای حمله به وجهه شنونده از دیدگاه کالپپر (2005, 1996) شامل پنج راهبرد متفاوت است؛ در راهبرد بی‌ادبی آشکار<sup>۱۱</sup>، گوینده به‌طور مستقیم و آشکارا وجهه مخاطب را مورد تهدید قرار می‌دهد. در بی‌ادبی تمسخرآمیز<sup>۱۲</sup> عمل تهدید وجهه، اگرچه به صورت ضمنی اما آشکارا وجهه شنونده را هدف قرار می‌دهد. این راهبرد با عنوان فراراهبرد بی‌ادبی<sup>۱۳</sup> نیز توسط کالپپر مورد استفاده قرار گرفته است. در بی‌ادبی مثبت<sup>۱۴</sup> گوینده از راهبردهایی استفاده می‌کند که تمهیداً برای آسیب رساندن به وجهه مثبت و یا خواسته‌های ایجابی شنونده مورد استفاده قرار می‌گیرند. در بی‌ادبی منفی<sup>۱۵</sup> گوینده از راهبردهایی برای آسیب رساندن به خواسته‌های سلبی مخاطب استفاده می‌کند. خودداری از ادب<sup>۱۶</sup> نیز راهبرد دیگری است که توسط گوینده، در مواقعی استفاده می‌شود که رفتار مودبانه قابل انتظار است. دو اصطلاح «بی‌ادبی متعارف»<sup>۱۷</sup> در مقابل «بی‌ادبی غیرمتعارف یا ضمنی»<sup>۱۸</sup> دو اصطلاحی است که کالپپر (۲۰۱۱) در مقایسه با دیدگاه پیشین (۱۹۹۶) به منظور درک کنش بی‌ادبانه مورد استفاده قرار داده است.

**قصد و تعمد:** از دیدگاه کالپپر (2005, 38) تعمد یکی از ویژگی‌های بی‌ادبی کلامی است. این نوع بی‌ادبی از دیدگاه کالپپر دارای سه ویژگی «تعمد گوینده در حمله کردن به وجهه شنونده»، «درک شنونده از تعمدی بودن بی‌ادبی» و «آمیزه‌ای از هر دو است. تعریف کالپپر و همکاران (Culpeper et al., 2003) از بی‌ادبی کلامی به معنای استفاده از راهبردهای تعمدی برای حمله به وجهه مخاطب است که منجر به نزاع و ناهماهنگی اجتماعی منجر می‌شود. کالپپر (۲۰۱۱) در تفاوت میان قصد<sup>۱۹</sup> و تعمد<sup>۲۰</sup> بر این باور است که قصد صرفاً تمایل فرد برای انجام کنش را به همراه



شکل ۱. فرایند و مؤلفه‌ها در درک بی‌ادبی (کالپپر، ۲۰۱۱: ۶۵)

همانگونه که در شکل قابل مشاهده است، مدل دارای ساختاری سه سطحی و در هم تنیده است که در قالب فرایندی دوسویه و به صورت چرخه‌ای قابل تعریف است. سطح ابتدایی مدل به ورودی شنیداری و دیداری<sup>۱</sup> و سطح میانی به مرحله ساخت و شکل‌گیری بی‌ادبی<sup>۲</sup> تعلق دارد. سطح انتهایی مدل که دربرگیرنده دیدگاه اصلی کالپپر است، به طرح‌واره اصلی بی‌ادبی (دانش مرتبط با بی‌ادبی)<sup>۳</sup> شامل وجهه<sup>۴</sup>، قصد<sup>۵</sup> (تعمد)، بافت<sup>۶</sup>، هنجارهای اجتماعی<sup>۸</sup> و احساسات<sup>۹</sup> تعلق دارد. در این سطح بافت و قصد به‌طور مستقیم با یکدیگر مرتبط و هر دو متأثر از احساسات تعریف شده‌اند. وجهه در مرکز این مدل قرار دارد که از یک سو، مرتبط با هنجارهای اجتماعی و از سوی دیگر، متأثر از بافت است. کالپپر در این سطح علاوه بر یافت اجتماعی و متن زبانی به فرازبان<sup>۱۰</sup> نیز توجه کرده است.

**وجهه:** وجهه در پژوهش حاضر به زبان ساده همان شأن و اعتباری است که هر فرد برای خود قائل است. از این‌رو، هر گونه رفتار کلامی و یا غیرکلامی که وجهه افراد را دچار خطر نماید، در زمره رفتار بی‌ادبانه با درجات متفاوتی از خشونت قرار می‌گیرد. کالپپر (۲۰۱۱) در دیدگاه خود درباره بی‌ادبی، تمهیداً از

11. bald on record impoliteness  
12. sarcasm or mock politeness  
13. impoliteness meta-strategy  
14. positive impoliteness  
15. negative impoliteness  
16. withhold politeness  
17. conventionalized impoliteness  
18. non-conventionalized /implicational impoliteness  
19. intention  
20. intentionality

1. aural and visual input  
2. construal of impoliteness event  
3. Impoliteness relevant schematic knowledge  
4. face  
5. intention  
6. intentionality  
7. context  
8. social norms  
9. emotions  
10. metal language

ارزیابی شناختی<sup>۲</sup> هستند. در این دیدگاه احساس فرد گوینده در بروز یک کنش بی‌ادبانه و احساس فرد شنونده در درک یک رفتار بی‌ادبانه هر دو مورد توجه است. «زمانی که بی‌ادبی بوقوع می‌پیوندد، طرح‌واره‌های احساسی گوینده و شنونده همزمان فعال می‌شوند. (کالپپر، ۲۰۱۱) این دیدگاه کالپپر منطبق با دیدگاه قبلی او (۲۰۰۵) در تأکید بر این نکته است که بی‌ادبی در ارتباط دو طرفه گوینده و شنونده شکل می‌گیرد.

### پیشینه پژوهش

از آنجایی که مطالعه حاضر بر اساس خشونت کلامی جنسیت‌محور با تأکید بر زنان شاغل انجام شده است، مطالعات مورد استفاده شامل طیف وسیعی از مطالعات درباره خشونت و خشونت کلامی در محل کار با تأکید بر زنان است. به‌طور نمونه یافته‌های مطالعه شکفته مطلق (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در محل کار با خشونت مواجه هستند. نتیجه این مطالعه بر کاهش خشونت فیزیکی و افزایش خشونت کلامی خصوصاً علیه زنان در محیط‌های کاری اشاره دارد و پیامدهای فردی (سلامت عمومی و روان) و پیامدهای سازمانی (تعهد سازمانی، ترک‌کار) را از مهم‌ترین پیامدهای تأثیرگذار خشونت بر زنان برشمرده است. مکتوبیان و ربانی خوراسگانی (۱۳۹۳) مطالعه خود را با هدف بررسی ابعاد ناامنی و آزار جنسی زنان در محیط کار انجام داده‌اند. نتایج مطالعه ضمن پرداختن به ابعاد احساس ناامنی توسط زنان، کلیشه‌های سنتی را دلیل اصلی در عدم گزارش و پیگیری خشونت علیه زنان به دلیل بی‌آبرویی و داغ‌تنگ عنوان کرده‌اند. کشاورز و همکاران (۱۴۰۱) در نگاهی جامعه‌شناختی به وقوع آزار جنسی در محل کار (دانشگاه)، نظام تبعیض‌آمیز جنسیتی، مرزبندی جنسیتی و مناسبات فرودستی و بی‌قدرتی زنان در محیط دانشگاه را مورد توجه قرار داده‌اند. مطالعه تقویان و همکاران (۱۴۰۱) موقعیت‌های رویارویی جنسیتی در دانشگاه را بر اساس سه‌گانه، خشونت، تبعیض و بهره‌کشی جنسیتی در این نوع از خشونت علیه زنان دانشجویان مورد بررسی قرار داده‌اند.

علاوه بر مطالعات انجام شده درباره خشونت در محل کار از دیدگاه جنسیتی، برخی مطالعات به‌طور خاص خشونت کلامی را از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند. استفاده از این نوع مطالعات به دلیل دیدگاه مورد استفاده در پژوهش حاضر ضروری بوده است. به‌طور نمونه

دارد درحالی‌که تعمد، علاوه بر قصد، دو ویژگی آگاهی و مهارت را نیز داراست. از دیدگاه کالپپر آگاهی گوینده از رفتاری که از خود بروز می‌دهد و مهارت او در تحقق اهدافش، از ویژگی تعمد و در تعمدی بودن یک رفتار کلامی تأثیرگذار است. از دیدگاه او (Culpepper, 2011) خشونت (بی‌ادبی) مانند تمام جنبه‌های دیگر زبان می‌تواند خلاقانه و استراتژیک در خدمت اهداف اجتماعی گوینده باشد. در مدل شناختی - اجتماعی کالپپر (۲۰۱۱) از مفهوم قصد استفاده شده است. بدین معنا که قصد گوینده به تنهایی نیز وقوع بی‌ادبی را امکان‌پذیر می‌سازد.

**بافت:** در این مدل، کالپپر با دیدگاهی شناختی از سطح زبانی صرف فراتر می‌رود و با تأکید بر دیدگاه وندایک استدلال می‌کند که بافت اجتماعی به شکلی مستقیم با زبان مرتبط نیست بلکه از طریق ذهن با زبان مرتبط است. از این‌رو، بی‌ادبی از دیدگاه کالپپر به‌وضوح یک مفهوم ذهنی و متغیر است که شامل درک رفتارها در بافت است. در تعریف بافت کالپپر (۲۰۱۱) برای توضیح آشکار درباره نقش بافت در رفتار زبانی بی‌ادبانه به ارتباط میان بی‌ادبی ذاتی و تابوها اشاره می‌نماید؛ رفتار کلامی که در یک بافت ممکن است خنثی و در بافت دیگری خشونت‌آمیز تلقی شود. از دیدگاه کالپپر (۲۰۱۱) بی‌ادبی محدود به بافت است و نمی‌توان آن را به‌طور کامل درک یا تفسیر کرد، مگر اینکه به زمینه وسیع‌تر و محدوده‌ای که کلام در آن ابراز شده، توجه کرد. این زمینه وسیع‌تر، براساس مطالعه حاضر، می‌تواند همان دیدگاه‌های جنسیتی باشد که در تکمیل بافت خود را آشکار می‌سازد.

### هنجارهای اجتماعی: کالپپر (۲۰۱۱) هنجارهای

اجتماعی را عامل قابل توجهی در درک بی‌ادبی کلامی عنوان می‌کند. کالپپر (همان) در تفسیر پدیده بی‌ادبی بر اساس هنجارهای اجتماعی، به مواردی مانند انصاف، اخلاق و نظام اخلاقی<sup>۱</sup> و قدرت بالای آنها برای تأثیرگذاری بر رفتار افراد اشاره می‌کند. به‌طوری که خدشه‌دار شدن آنها را مساوی با آسیب به هنجارهای اجتماعی و در نتیجه بروز بی‌ادبی می‌داند.

### احساسات: احساسات مؤلفه‌ای است که در مدل

کالپپر (۲۰۱۱) از یک سو با هنجارهای اجتماعی و از سوی دیگر با قصد و بافت ارتباط دارد. از دیدگاه او احساسات مرتبط با بی‌ادبی، صرفاً واکنش‌های بیولوژیکی نیستند، بلکه دربرگیرنده

2. cognitive appraisal

1. fairness, morality, moral order

واکنش تهاجمی دارند؛ و شخصیت‌های فرودست و زنان نسبت به آن واکنش تدافعی از خود نشان می‌دهند. محمودی بختیاری و معنوی (۱۳۹۵) با رویکردی گفتمانی به بررسی الگوهای زبانی در خشونت کلامی از منظر نقش آن در مؤلفه‌های کلام دراماتیک پرداخته‌اند. در این مطالعه نیز به نقش ساختاری و فرهنگی زبان در شکل‌گیری سازوکارهای خشونت‌آمیز در ایجاد و نهادینگی روابط قدرت میان قشرهای مختلف اجتماعی اشاره شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که زبان می‌تواند ابزاری ایدئولوژیک در گفتمان قدرت باشد و با حمله کردن به سوژه خشونت رانشان دهد.

فیض‌اللهی (۱۴۰۰) به خشونت کلامی با عنوان مزاحمت‌های کلامی برای دختران دانشجو پرداخته است. نتایج حاکی از تقویت «قربانی منفعل» و معمول شدن نقش «درماندگی آموخته شده» است که به تقویت مؤلفه‌های فرهنگ مردسالارانه کمک می‌کند. مقوله مرسوم شدن «سکوت زنان در برابر آزارگری» از دیگر مؤلفه‌هایی مورد توجه محقق در نتایج پژوهش است. مقاله عبداللهی نژاد و مجلسی (۱۳۹۷) به خشونت کلامی در فضای مجازی پرداخته است. مضامین اصلی خشونت کلامی بر اساس یافته‌ها شامل مضامین آزاردهنده و خشونت‌باری هستند که مستقیماً خود سلبریتی و محتوای فرسته (پست) او را نشانه گرفته‌اند و شامل نظرهایی هستند که با فرافکنی قصد آزار کلامی دارند. بخش دیگر از یافته‌ها به نظرهایی تعلق دارند که با اهانت به خانواده و یا سایر تعلق‌های سلبریتی مانند ویژگی‌های ظاهری درصدد زخم زبان زدن برمی‌آیند. دلایل جنسی و جنسیت و همچنین دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی و شهروندی، قومیت، مذهب و اصل و نسب از عوامل تأثیرگذار بر وقوع این نوع از خشونت عنوان شده است. بر اساس نتایج مطالعه سهراب زاده و منصوریان (۱۳۹۶) که به تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی پرداخته‌اند، موانع فرهنگی و قانونی از دلایل اصلی در بروز خشونت عنوان شده است.

مطالعه لوو و ساندرز (Luvo & Saunders, 2022) به بررسی و تحلیل طیف وسیعی از منابع ادبی از جمله کتاب‌ها، مجلات علمی و مقالات روزنامه از منظر خشونت جنسیت‌محور پرداخته است. بر اساس یافته‌های مقاله، رایج‌ترین اشکال خشونت آزار جسمی، اقتصادی، کلامی و روانی است که در درجه اول زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس نتیجه مقاله پدرسالاری و فرهنگ از عوامل اصلی خشونت محسوب می‌شوند. دردار (Derdar, 2017) از محدود

مقاله سلیمی (۱۳۹۵) به دلیل توسعه ادبیات در خصوص دیدگاه‌های زبانشناختی در تحلیل رفتار کلامی خصوصاً بی ادبی کلامی راهگشا بوده است. برخی دیگر از مطالعات به بازتاب خشونت کلامی خصوصاً در ادبیات و متن ادبی اختصاص داشته‌اند. مطالعه طاهریان و همکاران (۱۴۰۰) به بازتاب نقش زبان از طریق خشونت کلامی در ادبیات بر اساس شاخص‌های ششگانه مالکین درباره نقش زبان در خشونت اختصاص دارد. عظیمی‌فرد (۱۴۰۰) در مطالعه خود به بررسی خشونت کلامی در سه مجموعه کمدی در تلویزیون بر اساس راهبردهای کلامی بی ادبی پرداخته است. نتیجه این مطالعه به کاربرد کلمات تابو و کلمات خشن در قالب بی ادبی آشکار و بی ادبی منفی خصوصاً توسط مردان اشاره دارد. زارع کهن و دانشگر (۱۴۰۱) ابعاد خشونت علیه زنان از طریق استفاده از کلام را در دو رمان فارسی و غیرفارسی را مورد بررسی قرار داده‌اند و در نتایج مطالعه به این نکته اشاره کرده‌اند که خشونت علیه زنان دارای عمومیت است و به زبان، فرهنگ و طبقه خاصی تعلق ندارد. در مطالعه حبیبی مظاهری و آقاگل‌زاده (habibi mazaheri & Aghagolzadeh, 2023) با هدف بررسی لایه‌های مختلف روابط قدرت بین شخصیت‌ها در رمان‌های فارسی از دیدگاه فرکلاف به نقش ساختارهای اجتماعی مانند نابرابری جنسیتی، تفاوت‌های موقعیت اجتماعی-اقتصادی و مبارزه طبقاتی به عنوان عوامل تأثیرگذار در بروز آزارهای کلامی در زبان فارسی اشاره می‌نماید. از دیدگاه نویسندگان مقاله، زبان به عنوان یک ابزار بلاغی قدرتمند، برای به تصویر کشیدن دیدگاه بدبینانه مردان ایرانی در مورد زنان از طریق آزار کلامی مورد استفاده نویسندگان قرار گرفته است. مطالعه رحمانی (۱۳۹۹) به نقش خشونت کلامی در شخصیت‌پردازی و تکوین درون‌مایه نمایشنامه‌ها بر اساس دیدگاه مالکین پرداخته است. رحمانی در این مطالعه بر نقش فعال زبان در خشونت ساختاری و خشونت فرهنگی از جمله نقش زبان در فرادستی و فرودستی تأکید می‌نماید. بر اساس نتایج مطالعه، زبان از طریق بازتولید ایدئولوژی‌ها و نهادینه شدن و شکل‌گیری روابط قدرت دامن می‌زند. یافته‌های پژوهش دیگر رحمانی (۱۳۹۵) نیز با هدف مطالعه قدرت و جنسیت در رمان افول اکبر رادی حاکی از آن است که شخصیت‌های فرادست از بی ادبی مستقیم شخصیت‌های فرودست از بی ادبی غیرمستقیم استفاده می‌کنند؛ بر اساس نتایج این مطالعه مردان و شخصیت‌های فرادست نسبت به بی ادبی

است که علاوه بر ابعاد اجتماعی و زبانی آن، امکان تحلیل داده‌ها را در قالب مدل شناختی-اجتماعی امکان‌پذیر ساخته است. مفهوم جنسیت، اگرچه هم به مردان و هم زنان قابل اطلاق است، اما در مطالعه حاضر صرفاً بر اساس زنان مورد توجه قرار گرفته است.

جامعه مورد مطالعه زنان شاغل بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند، ۲۵ نفر از آنان برای مصاحبه انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان پژوهش، زنان شاغل در مؤسسات آموزشی و پژوهشی آموزش عالی ایران بودند که میانگین سنی آنان از ۲۷ تا ۵۰ سال و میزان سابقه کاری آنان بالاتر از سه سال بوده است. مدرک تحصیلی این زنان کارشناسی به بالا بوده که به‌عنوان کارمند و کارشناس در بخش‌های اداری و پژوهشی مؤسسات آموزش عالی مشغول به کار بوده‌اند. بر اساس هدف پژوهش، پس از گفتگوی اولیه با تعداد زیادی از زنان، صرفاً افرادی انتخاب شدند که خشونت در محل کار را به‌طور مستقیم تجربه کرده بودند و درک خود از این نوع از خشونت در محل کار را با مصاحبه‌کننده در میان گذاشتند. افراد دیگری نیز با تجربیات مشابه در فهرست محقق بوده‌اند که حاضر به مصاحبه رسمی نشدند.

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته، با اختصاص زمان تقریبی ۴۵ دقیقه برای هر مصاحبه، گردآوری شد. سپس داده‌ها از طریق مقوله‌بندی در پاسخ به دو پرسش درباره راهبردهای مورد استفاده در خشونت کلامی توسط کارکنان مرد و چگونگی درک خشونت کلامی توسط کارکنان زن در محل کار، تفکیک و مقوله‌بندی شدند. در مرحله نهایی مقوله‌ها بر اساس نظریه بی‌ادبی کالپیر (1996, 2011, 2005) و با تاکید بر ابعاد اجتماعی شناختی آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند.

### تحلیل یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در پاسخ به دو پرسش اصلی درباره راهبردهای مورد استفاده مردان برای خشونت کلامی و چگونگی درک زنان از خشونت کلامی بشرح قابل ارائه است:

### راهبردهای مورد استفاده مردان در بروز خشونت کلامی

یافته‌ها بر اساس پرسش اصلی از تجربیات و درک کارکنان زن از خشونت کلامی شامل دو گروه از خشونت کلامی آشکار و خشونت کلامی پنهان است که توسط همکاران مرد

مقالاتی است که به‌طور مستقیم به خشونت کلامی جنسیت‌محور (البته در بافتی غیر از محیط کار) پرداخته است. از دیدگاه او زبان هم ساخته جامعه است و هم جامعه را می‌سازد و کلماتی که مردم برای انتقال ایده‌ها به کار می‌برند نشان‌دهنده ایدئولوژی‌هایی است که مردم دارند و نحوه تفکر آنها در مورد جهان را نشان می‌دهد. با این رویکرد دربار به بازتاب خشونت کلامی به‌عنوان نوعی آزار روانی علیه زنان پرداخته است. او بر اساس یافته‌های پژوهش استدلال می‌کند که فرهنگ عامه مراکش، به‌ویژه از طریق برخی کلمات و عبارات، نقش کلیدی در خشونت علیه زنان را ایفا می‌کند. یافته‌های او در این مقاله نمونه‌های کوچکی از تعداد بی‌شماری از کلمات خشونت‌آمیزی را نشان می‌دهد که زنان به‌طور روزانه با آنها بمباران می‌شوند. نتایج این مطالعه همچنین بر قدرت فرهنگ عامه در بازتولید، حمایت و حفظ این گونه از آزار روانی توسط خود زنان علیه زنان دیگر با عنوان «خود قربانی کردن»<sup>۱</sup> زنان و همچنین سازوکار مردانه‌ای تأکید می‌کند که توسط نظام مردسالار برای دور کردن تمرکز زنان از هر نوع مقاومت مؤثر یکپارچه<sup>۲</sup> استفاده می‌شود.

مطالعات انجام شده اگرچه با اهداف متفاوت و دیدگاه‌های مختلفی انجام شده‌اند، اما وجه مشترک تمامی آنها تأثیر عوامل و دلایل متفاوتی است که در فرایند تعاملات و ارتباطات روزمره از طریق زبان در قالب آزار و توهین و خشونت به دیگری منتقل می‌شود و به نوعی به بازتولید باورهای شکل‌گرفته، کلیشه‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی، روابط قدرت و روابط فرادستی و فرودستی کمک می‌نماید. نکته قابل توجه در نتایج بسیاری از این مطالعات در معرض بودن زنان به عنوان قربانیان خشونت اعم از خشونت کلامی و غیر کلامی در مقایسه با مردان متاثر از عوامل متعدد از جمله عوامل فرهنگی است.

### روش پژوهش

در مقاله حاضر از انواع متفاوت خشونت، خشونت کلامی مورد توجه قرار گرفته و از میان ابعاد مختلف خشونت کلامی به «خشونت کلامی جنسیت‌محور» پرداخته شده است. تصورات ذهنی و باورهای افراد درباره ویژگی‌های زنانه و مردانه، متأثر از کلیشه‌های فرهنگی<sup>۳</sup> در واقع بعد شناختی خشونت کلامی

1. self-victimization  
2. unified effective resistance  
3. cultural stereotypes

مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱. راهبرد خشونت کلامی آشکار

نوع خشونت	مصادیق مورد استفاده
تحقیر	ویژگی‌های ذاتی زنان کم هوشی زنان
توهین	ویژگی‌های شخصیتی زنان غرغرو بودن، کنجکاو بودن، حساس بودن و ...
تمسخر	ویژگی‌های فیزیکی زنان چاقی و لاغر اندام
اهانت	ویژگی‌های روانی زنان دمدمی مزاج بودن
متلک	سن زنان پیر یا جوان بودن / بالغ یا نابالغ بودن
سرزنش	کیفیت کاری زنان کم کاری زنان ناتوانی کاری زنان
شماتت	کم‌هوشی کاری ناتوانی مهارتی زنان ناتوانی مدیریتی زنان
انگ زنی	ویژگی‌های نقش‌های زنان مادر بودن همسر بودن فرزند بودن
پیشنهاد جنسی	ارتباط جنسی در محل کار ارتباط جنسی بیرون از محل کار اختلالات دوران قاعدگی اندام‌های خصوصی زنان
استفاده از تابوی جنسی	ویژگی‌های جنسی زنان و مردان علاقه جنسی مرد ایده‌آل مراسم ازدواج .....
کنجکاوای جنسی	متهم کردن زنان به مشکلات جنسی (بدکاره) قضایوت درباره نوع روابط جنسی زنان (یخچال، آتش)
نام دهی جنسیتی	برخ کشیدن سن زنان (مادر/ نوجوان)

میزان هوش در مقایسه با مردان، ویژگی‌های شخصیتی مانند فضول بودن زنان، ویژگی فیزیکی مانند چاق یا لاغر بودن زنان و ویژگی‌های روانی مانند دمدمی مزاج بودن زنان است. حتی سن زنان نیز در دایره این نوع از خشونت کلامی قرار دارد. تمسخر زنان مسن در انجام برخی فعالیت‌های جوانانه، عمل‌های زیبایی برای جوانتر نشان دادن، پوشیدن برخی لباس‌ها و حتی خواندن برخی کتاب‌ها از اینگونه موارد است. سرزنش و شماتت نوع دیگر از خشونت کلامی است که از طریق متهم کردن زنان به ضعف و ناتوانی و کم‌هوشی، کیفیت کاری آنان را زیر سؤال می‌برد. ویژگی‌های نقش‌های زنان ابزار دیگری است که توسط کارکنان مرد به منظور انگ‌زنی به زنان در خصوص کم کاری دو جانبه آنان در محل کار و خانه و در مواردی بدگویی به منظور مخدوش کردن وجهه کاری زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فراهم کردن مقدمات برقراری ارتباط جنسی از طریق کلام دارای بیشترین بسامد از نظر تکرار و همچنین دارای بیشترین احساس درک خشونت توسط زنان بوده است. مردان به زنان پیشنهاد قرار در ساعات خلوت کاری و یا اتاق خلوت را می‌دهند. در برخی از موارد نیز خوردن قهوه در کافی‌شاپ نزدیک اداره و یا ماهار دوستانه در رستوران و گشت و گذار آخر هفته را پیشنهاد می‌نمایند. استفاده از تابوهای جنسی وجهی دیگر از راهبرد آنان برای نزدیک شدن به زنان محسوب می‌شود. مردان آشکارا در حضور زنان (خصوصاً زنان جوان تازه‌کار) و در مواردی خطاب به آنها (در یک جو رسمی کاری) از ویژگی‌های جنسی زنانه و یا مردانه حرف می‌زنند. در مواردی نیز همانگونه که زنان مصاحبه‌شونده ابراز کرده‌اند از این راهبرد برای عقب نشانیدن زنان در یک گفتگو استفاده می‌کنند. مدبری برای «گرفتن حال» یکی از کارمندان زن که حاضر به شرکت در نمایشگاه کتاب نبوده است، با عصبانیت دلالی مانند عادت ماهیانه کارکنان زن را در سرپیچی از دستور مافوق مطرح کرده است.

نام‌دهی یکی از انواع خشونت کلامی است که اگرچه دارای بسامد نه چندان بالا، اما در داده‌های مطالعه مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور نمونه مردان در حضور همکاران زن (در یک گفتگوی مرتبط به طرف مقابل و یا مرتبط به شخصی غائب) با نام‌دهی منفی موجب آزار زنان می‌شوند. به‌طور نمونه از واژه «بدکاره»، «عروسک» و ... برای نشان دادن میزان عصبانیت خود بهره می‌گیرند.

نوع دوم از خشونت‌های کلامی به خشونت کلامی پنهان

انواع خشونت بر اساس داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها که در جدول ۱ قابل مشاهده است، دربردارنده اشکال متفاوتی از خشونت آشکار کلامی است که توسط زنان درک شده است. این نوع از خشونت که از دیدگاه زنان به صورت آشکار توسط مردان مورد استفاده قرار می‌گیرد، شامل توهین و تحقیر و تمسخر نسبت به ویژگی‌های ذاتی زنان مانند

تعلق دارد. جدول شماره ۲ به مؤلفه‌هایی اشاره می‌نماید که حاوی خشونت کلامی پنهان در مقابل زنان است

### جدول ۲. راهبرد خشونت کلامی پنهان

نوع خشونت	مصادیق مورد استفاده
تملق	<b>ویژگی ظاهری زنان</b> اندام زنانه، رنگ پوست، رنگ مو، صورت، لب، ابرو
تعریف	سلیقه لباسی، آرایشی
تشویق	<b>ویژگی شخصیتی زنان</b> <b>ویژگی نقشی زنان</b> <b>مهارت شغلی زنان</b>
شوخی	تمایلات جنسی زنان
مزه‌پرانی	اندام زنان
جوک جنسی	رفتار جنسی زنان
کنایه جنسی	رفتار جنسی مردان
	سن ازدواج زنان
	ترشیدگی زنان
	...
محبت کلامی	تعریف و تمجید اغراق آمیز
لاس زدن	ایما و اشاره محبت‌آمیز
	اغراق در محبت کلامی
	استفاده از کلمات اروتیک
	تغییر لحن در حرف زدن
ابراز صمیمیت	استفاده از ضمیر مفرد «تو»
کاذب	استفاده از اسم کوچک زنان
	(در بافت غیرمعمول)
بی‌توجهی کلامی	قطع کردن حرف
	نشنیده گرفتن حرف
	<b>نام دهی مثبت</b>
	زن بلای دوست داشتنی
	زن فرشته نجات
	زن حلال مشکلات

تاثیر آن در ایفای نقش موثرتر شغلی تعریف می‌کنند. در مواردی نیز به‌طور افراط گونه به تعریف و تمجید، همراه با اشارات محبت‌آمیز فرازبانی اقدام می‌کنند و در گفتگوهای دو نفره در گامی جلوتر، از کلمات اروتیک استفاده می‌کنند.

شوخی جنسیتی، جوک و کامنت‌های جنسی و مزه‌پرانی راهبردهای متنوع دیگری هستند که اگرچه مردان در موقعیت‌های مختلف و در گفتگوهای بظاهر معمول در محیط کار با همکاران زن از آنها استفاده می‌کنند اما وجه آزاردهنده کلام بیش از وجه سرگرمی و طنز آن مورد توجه زنان مشارکت‌کننده قرار گرفته است.

نام دهی مثبت در این بخش از یافته‌ها اگرچه با استفاده از مفاهیمی مانند زن بلای دوست‌داشتنی در قالب کلام محبت‌آمیز مطرح می‌شود، اما در واقع براساس بافت و موقعیت، تجربه و شناخت زنان از طرف مقابل و ... در زمره خشونت کلامی پنهان قابل ارائه است.

علاوه بر موارد ذکر شده، کم محلی و بی‌توجهی کلامی به زنان، از راهبردهای پنهان دیگری هستند که در محل کار توسط زنان شاغل تجربه و به عنوان مصداق خشونت کلامی درک شده است.

### چگونگی درک زنان از خشونت کلامی

همانگونه که یافته‌ها در پاسخ به پرسش اول پژوهش نشان داد، درک زنان خشونت دیده از خشونت کلامی در محیط کار صرفاً محدود به صورت زبان و یا حتی علائم و نشانه‌های فرازبانی استفاده شده توسط خشونت‌گر نیست، بلکه از مؤلفه‌های متعددی نشأت می‌گیرد که به چگونگی درک و تجربه آنان از یک کنش خشونت‌آمیز شکل می‌دهد.

### نقش بافت در درک زنان از خشونت کلامی

توجه به بافت به چگونگی درک زنان از خشونت کلامی جنسیت‌محور کمک می‌کند. خشونت کلامی برخلاف خشونت فیزیکی، دریافتی است. صورت و معنای زبان بر اساس بافت دو تفسیر متفاوت را بدنبال دارد از دیدگاه کالپیر (۲۰۱۱) برخی از رفتارها ممکن است در بافتی خاص بی‌ادبانه و در بافتی دیگر خنثی و یا مثبت تعبیر شوند. او با تفکیک بافت زبانی<sup>۱</sup> از بافت اجتماعی<sup>۲</sup> در اینکه رفتاری بی‌ادبانه یا خشونت‌آمیز تلقی شود،

همانگونه که در جدول (۲) قابل مشاهده است، در این نوع از خشونت، برخلاف جدول قبلی، خشونت در صورت زبان قابل مشاهده و عیان نیست، بلکه بالعکس، درک زنان از خشونت است که کلام گوینده را خشونت بار توصیف می‌کند. در این نوع از کلام، مردان همان ویژگی ظاهری، شخصیتی، نقشی و شغلی زنان را که آشکارا مورد توهین و تمسخر و سرزنش قرار داده بودند، مورد تعریف و تملق و تشویق قرار می‌دهند؛ از اندام و رنگ پوست و سلیقه لباسی زنان تعریف می‌کنند؛ جنس لطیف و روح حساس زنانه را مورد تملق قرار می‌دهند و از تعهد شغلی و دلسوری زنانه و

1. co text  
2. social context



پذیرفته شده (عادت) تبدیل شده است. این عادات اجتماعی منفی (از دیدگاه زنان) درحالی به دلیل «عادت» به ارزش مثبت (از دیدگاه مردان) تبدیل شده است، که جنبه‌های قبیحانه، توهین‌آمیز و آزاردهنده آن مورد غفلت قرار گرفته است. تصورات کلیشه‌ای جنسیتی مبتنی بر ویژگی‌های خاص زنانه و مردانه، در حالی در قالب خشونت کلامی علیه زنان توسط مردان مورد استفاده قرار می‌گیرد که آنها با هنجارهای انسانی در خصوص رفتار با هم‌تایان خود (همکاران مرد) آگاه هستند؛ این تجربه‌ای است که زنان چندین بار در مصاحبه‌ها در مقایسه رفتار کلامی زنان با مردان به آن اشاره کرده‌اند.

نقش دوگانه هنجارهای اجتماعی در مورد کارکنان زن و مرد بگونه دیگری نیز در یافته‌های پژوهش خود را آشکار ساخته است. بر اساس هنجارهای اجتماعی انتظار می‌رود خشونت کلامی مردان، خصوصاً زمانی که با هدف آشکار تقاضای ارتباط جنسی صورت گیرد، همزمان با حمله به وجهه زنان، با تخریب وجهه خود مردان نیز همراه باشد. این پدیده در تعامل دوطرفه در فرایند یک مکالمه بی‌ادبانه (خشونت‌آمیز) معمول و قابل انتظار است (Brown & Levinson, 1987). بر اساس دیدگاه لوینسون و براون افراد در یک گفتگو تمایل به حفظ وجهه یکدیگر دارند. زیرا همواره این احتمال وجود دارد که خشونت‌گر در فرایند این تعامل به وجهه خود نیز آسیب بزند. تجارب زنان در پژوهش حاضر، در مقابل این پرسش که چگونه مردان در محیط کار در زمان طرح پیشنهاد ارتباط جنسی از به خطر افتادن وجهه خود نمی‌هراسند، براساس پاسخ ارائه‌شده نسبتاً قابل‌انتظار بوده است: *چنین ترسی در مردان در فرایند یک گفتگوی منجر به خشونت کلامی جنسی بسیار کم‌تر است زیرا مردان با تکیه به ترس زنان از افشا و آشکار کردن آزار جنسی آنان (به دلایل مختلف فردی، اجتماعی و شغلی) و همچنین با اطمینان به اغماض جامعه مردم‌محور از خطای مردان و پذیرش ادعای زنان، از خدشه‌دار شدن وجهه خود نمی‌ترسند.*

تأثیر کلیشه‌های اجتماعی علاوه بر کنش مردان، بر انتخاب کنش و راهبرد زنان در زمان دریافت خشونت نیز خود را آشکار می‌سازد. بر اساس یافته‌ها علی‌رغم اینکه خشونت کلامی جنسی دارای بیشترین وقوع خشونت کلامی را تشکیل می‌دهد، اما با کمترین واکنش از سوی زنان مواجه می‌شود. زنان اگرچه ممکن است در مقابل خشونت کلامی غیرجنسی از راهبردهای متعددی برای مقابله با همکاران مرد استفاده کنند، اما در مقابل خشونت کلامی جنسیت‌محور که

تفاوت قائل شده است. همانگونه که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، بر اساس زمینه تعامل، کلام محبت‌آمیز مردان گوینده توسط زنان شنونده به کلام خشونت‌آمیز تعبیر می‌شود. مردان با ابراز محبت نسبت به زنان و تعریف از ویژگی‌های ظاهری آنان به دنبال راهی برای برقراری روابط صمیمانه‌تر هستند، این هدف مردان توسط زنان درک می‌شود. تجارب زنان مشارکت‌کننده نشان داده است که راهبرد «کلام محبت‌آمیز کاذب» زمانی که توسط مردان برای وقوع یک رفتار خشونت‌آمیز عامدانه جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به رفتاری خشونت‌آمیز از دیدگاه زنان تغییر شکل می‌دهد. در واقع تحسین و تمجید زبانی از زنان اگرچه در بافتی غیراداری، ممکن است مؤدبانه و غیرخشونت‌آمیز تلقی شود، اما در فضایی صرفاً اداری و کاری بی‌ادبانه و خشونت‌آمیز تعبیر می‌شود. در چنین موقعیتی است که زبان کارکرد خود را متأثر از بافت به شکلی دیگر مطرح می‌نماید. در این باره کالپیر (۲۰۱۱) درعین حال به «دانش و تجربه» در درک یک رفتار بی‌ادبانه اشاره می‌کند. برخی زنان درک خود از رفتار خشونت‌آمیز را بر اساس تجربه پیشین و شناخت از ویژگی‌های گوینده عنوان کرده‌اند. به‌طور نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان به این نکته اشاره کرده است که *آقای X معمولاً در گفتگو با زنان از کلمات نشاندار جنسی استفاده می‌کند. به‌همین دلیل زنان از هم صحبت شدن با او فرار می‌کنند.*

### نقش هنجارهای اجتماعی در درک زنان از خشونت کلامی

«ادب کلامی» از دیدگاه کالپیر (۲۰۱۱) در تطابق با هنجارهای اجتماعی و «بی‌ادبی کلامی» بر اساس مغایرت با هنجارهای اجتماعی تعریف شده است. کالپیر (همان) در تأثیر هنجارهای اجتماعی بر وقوع بی‌ادبی مؤلفه‌هایی مانند انصاف، اخلاق و عدالت را در تشخیص یک رفتار بی‌ادبانه مورد تأکید قرار می‌دهد. درحالی که یافته‌های پژوهش حاضر ما را با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مردسالارانه و کلیشه‌های فرهنگی جنسیتی مواجه می‌نماید که در تضاد با مؤلفه‌های ذکرشده، به بروز خشونت کلامی جنسیت‌محور به‌عنوان کنشی غیرمنصفانه، ناعادلانه و غیرانسانی از سوی مردان منجر شده است. در واقع در تضاد با هنجارهای قابل انتظار اخلاقی، عادلانه، منصفانه و انسان دوستانه، کارکنان زن با کلیشه‌های جنسیتی مواجه هستند که بر اثر تکرار و پذیرش توسط گروهی از افراد جامعه (مردان) به هنجار

اساس آن بر آزار جنسی استوارست، متأثر از کلیشه‌های جنسیتی پذیرفته‌شده، واکنش مؤثری از خود بروز نمی‌دهند. در واقع آنچه نتایج این مطالعه درباره درخشونت کلامی جنسیت‌محور را از دیگر مطالعات متفاوت می‌سازد، تأثیر دوگانه کلیشه‌های جنسیتی و هنجارهای اجتماعی بر تقویت و بازتولید خشونت مردان علیه زنان است. مردان به پشتوانه کلیشه‌های جنسیتی، درحالی‌که از راهبردهای متعدد زبانی و فرازبانی برای اعمال «خشونت» جنسی علیه همکاران زن استفاده می‌کنند که زنان واکنش کلامی «سکوت» را انتخاب می‌کنند. سکوت زنان در چنین موقعیتی نه به معنای عدم درک خشونت تعدمی از سوی مردان است که کالیپر و همکاران (Culpeper et al. 2003) در ارائه ابعاد چهارگانه تعدم به آن اشاره کرده‌اند، بلکه متأثر از کلیشه‌های جنسیتی، به دلیل ترس از متهم شدن و ننگ بدنامی در محل کار و حفظ آبرو (کشاورز و همکاران، ۴۰۱۱۳) صورت می‌گیرد. سکوت زنان در برابر آزارگری مردان (فیض‌الهی، ۱۴۰۰) همانگونه که رحمانی (۱۳۹۷) تأکید می‌کند از یک سو متأثر از دیدگاه جنسیت زده مردان و از سوی دیگر، به دلیل ترس زنان از بازگو کردن کنش کلامی منجر به خشونت جنسی به دلیل پرهیز از انگشت‌نما شدن و بی‌آبرویی است.

یافته‌های پژوهش همچنین در تأکید بر نقش هنجارهای اجتماعی به نقش متفاوت **قدرت** در اعمال خشونت کلامی توسط مردان اشاره دارد. از دیدگاه کالیپر (۲۰۱۱) افراد قدرتمند از راهبردهای بی‌ادبانه (خشونت‌آمیز) بیشتری برای تخریب و وجهه طرف مقابل استفاده می‌کنند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خشونت کلامی مردان اگرچه در میان افرادی با قدرت اداری بالاتر، خصوصاً مدیران مافوق به دلیل امکان اعمال خشونت، دارای مصداق بیشتری است اما در عین حال برخلاف نتایج برخی مطالعات مورد اشاره در پیشینه، نشان داده است که این قدرت در مقایسه با قدرت متأثر از نقش تعریف شده مردانه، دارای نقش کم‌رنگ‌تری است. کارکنان مرد با موقعیت و جایگاه بالاتر اگرچه از امکان بیشتری برای اعمال خشونت کلامی علیه کارکنان زن زیر دست برخوردار هستند، اما اعمال خشونت، خصوصاً ابراز درخواست‌های شفاف جنسی، لزوماً به معنای قدرت اداری بیشتر مردان نیست. بلکه آنچه به آنان قدرت بیشتری می‌بخشد، احساس قدرت کاذب متأثر از باورهای غلط و کلیشه‌های جنسیتی است که جرات ارائه چنین درخواستی از همکار زن در محل کار را مهیا می‌سازد. آزار

کلامی «مدیران زن» توسط «مردان زیر دست» و یا «همکاران هم‌تراز» این وجه از مفهوم قدرت در فرایند یک کنش کلامی جنسیت‌محور را آشکار می‌سازد. این نتیجه از آن نظر با مفهوم قدرت در نظریه کالیپر (۲۰۱۱) مطابقت دارد که از دیدگاه کالیپر، قدرت به شکل ضمنی و در پس مفاهیمی مانند هنجارها یا نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های اجتماعی نهفته است. در واقع رفتار جنسیت‌محور در مورد فرد خشونت‌گر، متأثر از باورهای فرهنگی «قدرت بخش» (ابراز آزادانه خشونت کلامی جنسی) و در مورد زنان «کاهش‌دهنده قدرت» (مقابل منفعلانه در برابر خشونت کلامی جنسی) عمل می‌کند.

### نقش احساسات در درک زنان از خشونت کلامی

خشونت کلامی در مواردی ممکن است متأثر از ویژگی ذاتی افراد باشد. مثلاً بروز واکنش خشونت‌آمیز در زمان احساس خطر یا برای به دست آوردن حق از طریق فریاد کشیدن و استفاده از کلمات توهین‌آمیز و... بروز رفتار خشونت‌آمیز همچنین ممکن است از خصیصه روانی افراد نشأت گیرد؛ برخی افراد از آزار کلامی دیگران در قالب حرف مفت زدن، شوخی و طنز لذت می‌برند. در این یافته‌ها به تجربه هر دو نوع خشونت کلامی توسط مشارکت‌کنندگان زن به لحاظ خدشه‌دار شدن وجهه آنان اشاره شده است. احساسات در پژوهش حاضر متأثر از عامدانه بودن کنش خشونت کلامی توسط مردان و آگاهی آنان از تأثیر چنین رفتار خشونت‌آمیزی بر طرف مقابل و از سوی دیگر درک زنان از خشونت کلامی متأثر از احساس آزار و حقارت و خجالت، مورد توجه قرار گرفته است؛ در واقع آنچه در این فرایند معنادار و دارای اهمیت است، احساسات منجر به وقوع خشونت توسط خشونت‌گر و احساسات فرد خشونت دیده پس از دریافت خشونت است. بطور نمونه کنش کلامی خشونت‌بار مدیری که کارمند زن از برقراری ارتباط جنسی با او سرباز زده است (متأثر از احساس ناکامی و تلافی) و درک کارمند زن از چنین خشونتی (احساس تخریب و وجهه و سلب حقوق اجتماعی) مصداق مناسبی برای فهم احساسات در وقوع و درک رفتار خشونت‌آمیز کلامی براساس مدل کالیپر (شکل شماره ۱) از نظر ارتباط آن با قصد گوینده (استفاده جنسی از کارمند زن)، ارتباط با بافت (برخورداری از قدرت اداری برتر در مقایسه با کارمند زن زیردست) و ارتباط با هنجار اجتماعی (امکان استفاده جنسی از کارمند زن و عدم ترس از به خطر افتادن وجهه) است.

## نقش کنش هدفمندانه مردان در درک زنان از خشونت کلامی

«تعمدی» بودن کنش کلامی مردان، اساس درک زنان از تجربه یک رفتار کلامی خشونت‌آمیز را تشکیل می‌دهد اگرچه ممکن است گوینده از راهبردهای متفاوتی برای تحقق خواست و هدف خود استفاده نماید. همانگونه که در جداول شماره (۱) و (۲) قابل مشاهده است، ویژگی‌های شخصیتی زنان در فرایند شکل‌گیری یک خشونت کلامی آشکار و پنهان، زمانی مورد «سرزنش و توهین» و زمانی دیگر مورد تعریف و «تملق و چاپلوسی» قرار می‌گیرد. در هر دو حالت زنان متأثر از تعمدی بودن رفتار کلامی مردان، درک مشابهی از خشونت دارند. براساس تجارب مشارکت‌کنندگان، زنان حتی در مواردی خشونت نهفته در محبت کاذب و لاس زدن را در مقایسه با رفتار خشن همراه با کلمات توهین‌آمیز، آزاردهنده‌تر و غیرقابل تحمل‌تر عنوان می‌کنند. چنین نتیجه‌ای از یک سو تأییدکننده دیدگاه یوسفیلد (Bousfield, 2008) درباره نقش تعمد در درک کلام خشونت‌آمیز و همچنین مطابق با دیدگاه کالپپر (۲۰۱۱) درباره نقش همزمان قصد در شکل‌گیری کنش گوینده و درک شنونده است. این بخش از یافته‌ها در عین حال نشان‌دهنده این واقعیت است که چگونه جنسیت به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار در وقوع هدفمند خشونت کلامی توسط مردان و درک آن توسط زنان تعریف خاصی به خشونت کلامی بخشیده است.

**تخریب وجهه زنان:** براساس تجارب زنان، خشونت کلامی در وهله اول شأن، منزلت و اعتبار آنان در محیط کار را خدشه‌دار می‌سازد و در عین حال موجب آزار و اذیت روحی آنان می‌شود. بر اساس یافته‌ها و مطابق با دیدگاه کالپپر، درک زنان از خشونت کلامی در محیط کار نشان‌دهنده تهدید و تخریب وجهه زنان از طریق سرزنش، بی‌توجهی، استفاده از جوک و طنز و تمسخر، استفاده از تابوهای زبانی، لاس زدن (تخریب وجهه ایجابی زنان) و هم از طریق توهین، اهانت، تحقیر، بی‌توجهی، گوش ندادن، قطع کلام، استفاده از ضمیر مفرد و... (تخریب وجهه سلبی زنان) است که به دو شکل آشکار و پنهان صورت گرفته است. تهدید وجهه جنسی زنان: «منفعت جنسی» از طریق

خشونت کلامی، با هدف «حظ کلامی» و یا حق بهره‌مندی از یک رابطه جنسی و بهره‌کشی جنسی از زنان، نوعی دیگر از خشونت تعمدانه است که در تجربه‌های زنان شاغل خود را آشکار ساخته است. رفتار کلامی مردان زمانی که به منظور تهدید و یا پیشنهاد ارتباط جنسی مستقیم توسط زنان تجربه می‌شود، شکل جدی‌تری از خشونت را به دنبال دارد. استفاده از عبارت «تعرض جنسی کلامی» علی‌رغم معمول نبودن، به دلیل شدت خشونت در اینگونه از خشونت کلامی مورد استفاده قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که یکی از زنان مشارکت‌کننده آن را اینگونه توصیف می‌کند: مثل آن است که در محل کار به تو بگویند چه بدن قشنگی. بخشی از آن را به من بده تا استفاده کنم. پیشنهاد جنسی در محل کار همیقدر وقیحانه است.

تهدید وجهه اجتماعی زنان: تجربه زنان خشونت‌دیده در محیط کار نشان می‌دهد که خشونت کلامی جنسی بیشترین آزار کلامی را به همراه دارد. احساس بی‌احترامی، توهین و آزار در کنار احساس عدم امنیت و عدم بهره‌مندی از حقوق و استحقاق اجتماعی<sup>۲</sup> (Spencer-Oatey, 2008) به‌عنوان یک حق طبیعی و اساسی در محیط کار برای زنان، خشونت کلامی جنسی را به نوعی نقض حقوق درک شده<sup>۳</sup> (Culpepper, 2013) تبدیل کرده است. استفاده مردان از ابزار خشونت کلامی جنسی، همانگونه که در بخش قبلی مورد تأکید قرار گرفت، از مصادیق آشکار تعرض کلامی جنسی و نقض حقوق اجتماعی و انسانی زنان در محل کار محسوب می‌شود.

از سوی دیگر زنان در خشونت کلامی غیر جنسی نیز نوعی دیگر از سلب حقوق اجتماعی در محیط کار را تجربه می‌کنند. براساس تجربه زنان مشارکت‌کننده در پژوهش، خشونت کلامی توسط مردان خصوصاً در جمع همکاران دیگر متأثر از نگرش مردسالارانه به معنای به رخ کشیدن و تثبیت «قدرت مردانه» در مقابل «ضعف زنانه» صورت می‌گیرد. این نوع از خشونت که به تعبیر زنان، وجه نمایشی آن بسیار پررنگ است، راهبردی هدفمندانه برای قدرت‌نمایی مردان و تخریب وجهه اجتماعی زنان در محیط کار محسوب می‌شود. در چنین موقعیتی بنظر می‌رسد مردان به عنوان بازیگران قدرتمند «نقش اول» در تلاش برای جذب تماشاگران (دیگر همکاران) از طریق تضعیف نقش مقابل هستند. این همان تأکیدی است که کالپپر در کارکرد بی‌ادبی

۱. مواردی از عمدی نبودن خشونت کلامی توسط تعداد اندکی از زنان گزارش شده است. بدین معنا که در یک بافت یکسان، دو مخاطب متفاوت، درک متفاوتی از گزاره جنسیتی یکسان داشته‌اند.

۲. این تعبیر اسپنسر-اوتی از منبع کالپپر (۲۰۱۳) اخذ شده است.

3. violations of perceived rights

آشکار در نمایشنامه‌ها به منظور جذب و افزایش هیجان تماشاگران مورد توجه قرار می‌دهد.

تهدید وجهه شغلی زنان: تهدید وجهه شغلی افراد یکی از راه‌های موفقیت در رقابت شغلی در محیط کاری است. از دیدگاه زنان شاغل، نگرانی کارکنان مرد از ارتقای زنان و عقب ماندن از موقعیت‌های شغلی در مقایسه با کارکنان زنان، از دلایل دیگری است که هدفمندی خشونت کلامی مردان را توضیح می‌دهد. کارکنان مرد به دلیل «احساس» توانایی و استحقاق بیشتر در ارتقا و کسب موفقیت‌های شغلی بالاتر در مقایسه با زنان، از راهبردهای متعدد تخریب وجهه مانند توهین، تمسخر، تحقیر و بدگویی برای عقب راندن و حذف زنان و همچنین محافظت از خود (در برابر قدرت و جایگاه شغلی بالاتر زنان) استفاده می‌کنند. این نوع از خشونت اگرچه ممکن است براساس دیدگاه کالپیر (۲۰۱۱) در بروز خشونت در زمان ترس و ... قابل توجه باشد، اما آنچه آن را در مقابل زنان متفاوت می‌سازد، تاثیر کلیشه‌های جنسیتی بر کنش عامدانه مردان است که خشونت کلامی در محیط کار را به خشونت کلامی جنسیت محور تبدیل می‌نماید.

### بحث و نتیجه‌گیری

خشونت معضل بسیار مهمی است که همچنان در سراسر جهان در حال گسترش است (Pinar & Ucmack, 2011). در مقاله حاضر خشونت با تأکید بر خشونت کلامی جنسیت‌محور در محل کار بر اساس دیدگاه شناختی-اجتماعی کالپیر مورد مطالعه قرار داده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که «زبان» چگونه متأثر از هنجارهای اجتماعی و کلیشه‌های جنسیتی، بافت، احساسات و امیال فردی می‌تواند فراتر از ابزار ارتباطی به ابزاری هدفمند برای خشونت کلامی در محل کار تبدیل شود. فرایند و مولفه‌های تاثیرگذار در درک خشونت کلامی براساس مدل کالپیر نشان می‌دهند که احساسات مردان، متأثر از تعمد آنان در تحقق اهداف پیش‌بینی شده، براساس بافت و موقعیت و همچنین متأثر از هنجارهای اجتماعی و کلیشه‌های جنسیتی، همراه با آگاهی مردان از به خطر افتادن وجهه زنان، به رفتار کلامی خشونت‌آمیز آنها شکل می‌دهد. درک زنان از خشونت کلامی نیز براساس احساسات آنان از درک تعمد و قصد گوینده، بافت و موقعیتی که خشونت در آن اتفاق افتاده است، متن زبانی (صورت زبان) و عوامل فرازبانی (لحن و تن صدای

مردان) و همچنین هنجارهای قابل انتظار اجتماعی و کلیشه‌های جنسیتی صورت می‌گیرد. اما آنچه نتایج مطالعه حاضر را در فرایند درک خشونت اندکی از مدل کالپیر متفاوت می‌سازد، نقش گسترده کلیشه‌های جنسیتی در مقایسه با دیگر مولفه‌ها، در وقوع خشونت کلامی توسط مردان است. علاوه بر آن این مولفه در درک خشونت کلامی توسط زنان و حتی در بروز واکنش زنان خشونت‌دیده به خشونت نیز نمایان است. براساس یافته‌ها «دیدگاه کلیشه‌ای» مردان در تعریف آنان از مردانگی و زنانگی است که امکان استفاده از راهبردهای هدفمند و منفعت‌طلبانه برای حمله به وجهه زنان (به دلایل متفاوت مانند «ارتقای وجهه مردانه»، «قدرت‌نمایی مردانه»، «ارتقای موقعیت و تثبیت جایگاه شغلی» و ...) و همچنین جسارت استفاده از راهبردهای آشکار و پنهان به منظور بهره‌مندی از حظ کلامی و یا برقراری ارتباط جنسی با زنان به‌عنوان خشونت‌آمیزترین نوع خشونت کلامی را برای مردان فراهم می‌نماید. در خشونت کلامی جنسی درحالی وجهه زنان دچار آسیب می‌شود که متأثر از کلیشه‌های جنسیتی و دیدگاه مردسالارانه محیط کار، تخریب وجهه مردان صورت نمی‌گیرد. در این میان زنان نیز متأثر از کلیشه‌های جنسیتی، به دلیل ترس و شرم از بی‌آبرویی در اجتماع (کاری و خانوادگی)، بجای برملاکردن کنش مردان خشونتگر با انتخاب کنش سکوت، به بازتولید و تقویت کلیشه‌های جنسیتی در محیط کار کمک مضاعف می‌نمایند. بعد دیگری از نقش محوری کلیشه‌های جنسیتی در خشونت کلامی به تعارض عادات رفتاری جنسیت‌محور با هنجارهای اجتماعی قابل انتظار مبتنی بر عدالت، انصاف و رعایت اخلاق تعلق دارد. مردان درحالی متأثر از کلیشه‌های جنسیتی، وجهه فردی و اجتماعی زنان را مورد حمله قرار می‌دهند که همزمان وجهه انسانی خود را در انجام یک رفتار غیر انسانی مورد پرسش قرار می‌دهند. این چالشی است که زنان همچنان در محیط‌کاری با آن مواجه هستند.

در هر صورت علیرغم اینکه تغییر کلیشه‌های جنسیتی نیازمند فرهنگ‌سازی، اراده جمعی و صرف زمان طولانی است، اما برخی اقدامات خصوصاً در محیط‌های کاری می‌تواند تا اندازه‌ای به کاهش این چالش کمک نماید. به‌طور نمونه «حمایت قانونی» مدیران از افراد خشونت دیده در سازمان‌ها و مؤسسات و مهم‌تر از آن «پیشگیری» از وقوع خشونت از طریق «فرهنگ‌سازی» در محل کار می‌تواند تا اندازه‌ای به کاهش این نوع از خشونت کمک نماید.

## منابع

- مطالعات زبانی و بلاغی، (۲۵) ۱۲، صص ۲۴۷-۲۷۲.
- عبداللهی نژاد، علیرضا، مجلسی، نوشین (۱۳۹۷). «خشونت کلامی در فضای مجازی، مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال‌کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی». *مطالعات رسانه‌های نوین*. (۱۳) ۴، صص ۱-۶۱.
- عظیمی فرد، فاطمه (۱۴۰۱). «خشونت کلامی در مجموعه‌های کمدی سیما». *فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری*. (۴۱) ۱۶، صص ۲۷-۵۵.
- فیض‌اللهی، علی (۱۴۰۰). «دلایل، بسترها و پیامدهای مزاحمت‌های کلامی از نظر دانشجویان دختر دانشگاه ایلام». *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، (۱) ۱۹، صص ۴۳-۶۴.
- کریمی، رضا؛ عرب‌خراسانی، سمیه؛ طباطبایی‌امیری، فائزه‌السادات؛ نصیری، محمدرضا (۱۴۰۰). «مقایسه تطبیقی مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان، خانواده در ایران و کشورهای توسعه یافته براساس تحلیل هم‌رخدادی واژگان». *زن در توسعه و سیاست*. (۲) ۱۹، صص ۱۹۳-۲۲۱.
- کشورز، خدیجه؛ شیخ‌الاسلام، فردوس؛ موسوی ویایه، فاطمه (۱۴۰۱). «نگاهی جامعه‌شناختی به وقوع آزار جنسی در دانشگاه». *مسائل اجتماعی ایران*. ۱۳ (۲)، صص ۲۶۱-۲۸۰.
- محمودی بختیاری، بهروز، معنوی، مهسا (۱۳۹۵). «خشونت کلامی در نمایشنامه هاملت با سالاد فصل: رویکردی گفتمانی». *جستارهای زبانی*. ۱۳۹۵؛ ۷ (۲)، صص ۱۸۷-۲۰۵.
- مکتوبیان، مریم، ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۹۳). «چگونگی آزار جنسی زنان در محیط کار». *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*. (۱) ۷، صص ۶۱-۷۸.
- میرزایی، هاجر؛ حجتی‌زاده، راضیه (۱۴۰۰). «بررسی کارکردهای زبانی بی ادبی در بخش نخست ابومسلم نامه ابوطاهر طرطوسی برپایه نظریه کالپیر». *فنون ادبی*. ۱۳ (۳)، صص ۸۱-۱۰۰.
- تقویان، ناصرالدین علی؛ طاهری کیا، حامد؛ پورمیرغفاری، مریم‌السادات (۱۴۰۱). «موقعیت‌های رویارویی جنسیتی در دانشگاه و مصایب آن». *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. (۲) ۲۴، صص ۱۳۵-۱۵۹.
- رحمانی، حسین (۱۳۹۹). «تأثیر خشونت کلامی زیسته بر دیگران در نمایشنامه پلکان». *زبان و زبان‌شناسی*. (۳۱) ۱۶، صص ۱۳۵-۱۷۲.
- رحمانی، حسین (۱۳۹۷). «تأثیر قدرت و جنسیت بر بی ادبی و شیوه برخورد با آن در نمایشنامه افول اثر اکبر رادی». *فصلنامه علمی-پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی*. (۴) ۱، صص ۴۵-۶۵.
- رحمانی، حسین (۱۳۹۵). «نقش زبان در بازتاب نگرش مردسالارانه: بررسی موردی نمایشنامه روزنه آبی اثر اکبر رادی». *مجله ادبیات داستانی دانشگاه پیام نور*. ۲ (۵)، صص ۶-۲۰.
- زارع کهن، معصومه، دانشگر، آذر (۱۴۰۱). «بازنمایی خشونت علیه زنان در رمان شیفتگی‌ها اثر خابیر ماریاس و رمان پیاده اثر بلقیس سلیمانی». *پژوهش‌های ادبی*. ۱۹ (۷۷)، صص ۱۴۹-۱۷۲.
- سلیمیان، سمیه (۱۳۹۵). «بی ادبی کلامی در رویکرد پسامدرن، بررسی عوامل موثر در تفسیر بی ادبی کلامی». *فصلنامه پازند*. (۴۵) ۱۲، صص ۴۵-۶۶.
- سهراب‌زاده، مهران؛ منصوریان راوندی، فاطمه (۱۳۹۶). «تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی در خانواده». *نشریه زن در فرهنگ و هنر*. (۲) ۹، صص ۲۴۵-۲۶۴.
- شکفته مطلق، مجید (۱۴۰۲). «بررسی علل و پیامدهای فردی و سازمانی خشونت در محیط کار». *مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی*. (۹) ۳۴، صص ۳۱-۱۶.
- طاهریان، عارفه؛ رضویان، حسین؛ شاه‌سنی، علی محمد، اسماعیلی، عصمت (۱۴۰۰). «بازتاب خشونت کلامی در شعر فرخی یزدی: تحلیلی براساس رویکرد مالکین».
- Agbaje, O.S., Arua, C.K., Umeifekwem, J.E. et al. (2021). Workplace gender-based violence and associated factors among university women in Enugu, South-East Nigeria: an institutional-based cross-sectional study. *BMC Women's Health*, 21, 124, 20-1.
- Alkan Ö, Serçemeli, C., & Özmen, K. (2022) Verbal and psychological violence against women in Turkey and its determinants. *PLoS ONE*, 17(10), 49-37.
- Aytac, S., Bozkurt, V., Bayram, N., Yildiz, S., Aytac, M., Akinci, F.S., et al. (2011). Workplace violence: A study of Turkish

- workers. *International Journal of Occupational Safety and Ergonomics*, 17(4), 385–402.
- Bousfield, D. (2008). *Impoliteness in interaction*. John Benjamin Publishing Company.
- Brown, P., & Levinson, S.C. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crisp, B. R., & Taket, A. (2017). Asset-based approaches for preventing gender-based violence in the workplace. *Eliminating Gender-Based Violence*, 151–162.
- Culpeper, J., & Hardacker, C. (2017). *Impoliteness*. In J. Culpeper, M. Haugh, & D. Kádár (eds), *The Palgrave Handbook of Linguistic (Im)politeness* (pp.199-225). Palgrave, London, pp.
- Culpeper, J. (2013). Impoliteness. In J. O. Östman & J. Verschueren (eds.) *Handbook of Pragmatics* (pp.1-18). Publisher: Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Culpeper, J. (2011). *Impoliteness: Using language to cause offence*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Culpeper, J. (2005). Impoliteness and entertainment in the television quiz show: The weakest link. *Journal of Politeness research*, 1(1), 35-72.
- Culpeper, J., Bousfield, D., & Wichmann, A. (2003). Impoliteness revisited: With special reference to dynamic and prosodic aspects. *Journal of Pragmatics*, 35(10-11), 1545-1579.
- Culpeper, J. (1996). Towards an anatomy of impoliteness. *Journal of Pragmatics*, 25, (3), 349-367.
- Derdar, M. (2017). Gender and verbal violence: A form of psychological abuse in Moroccan popular culture. *Sciences, Langage et Communication*, 1(3).
- Guay, S., Goncalves, J., & Jarvis, J. (2014). Verbal violence in the workplace according to victims' sex—a systematic review of the literature. *Aggression and violent behavior*, 19(5), 572-578.
- Habibimazaheri, S., & Aghagolzadeh, F. (2023). Representation of Verbal Violence in Afsoone Sabz: A Critical Discourse Analysis. *Critical Literary Studies*, 1(9), 143-158.
- Kremic, M. B. F., Terzic-Supic, Z. J., Santric-Milicevic, M. M., & Trajkovic, G. Z. (2017). Encouraging employees to report verbal violence in primary health care in Serbia: A cross-sectional study. *Slovenian Journal of Public Health*, 56(1), 11-17.
- Luvo, K., & Saunders, Y. U. (2022). The role of culture in gender-based violence and its impacts on the lives and wellbeing of women : implications for social work. *Ponte Academic Journal*, 78(12), Doi: 10.21506/j.ponte.2022.12.3
- Pinar, R., & Ucmak, F. (2011). Verbal and physical violence in emergency departments: a survey of nurses in Istanbul, Turkey. *Journal of Clinical Nursing*, 20(3-4), 510-517.
- Ross, S. (1981). How Words Hurt: Attitude, Metaphor, and Oppression. In V.-Braggin (ed.), *Sexist Language: A Modern Philosophical Analysis* (pp. 194 – 216). Lanham, MD: Littlefield, Adams



#### COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)